

## پیشگفتار

مدتها بود که می‌خواستم آنچه را از روش تحقیق می‌دانم قلمی و کتابی در این حوزه تألیف کنم. مقدمات آن را نیز با نوشتن مقالاتی در حوزه‌های تحلیل محتوا، تحلیل موردی، فراتحلیل، کار هم‌اندیشی و هم‌نویسی و چاپ آنها در مجله‌نامه علوم اجتماعی فراهم کرده بودم که مورد استفاده دانشجویان هم قرار می‌گرفت. جزوه روش تحقیقی هم که در کنار این مقالات در کلاسهایم تدریس می‌کردم، خود برآمده از تجربیات پژوهشی شخصی و نکات مهم روش‌شناختی کتابها و کلاسهای روش اساتیدی مانند بلیلاک، ارل بی، سم میلر و ابراین بود.

اما در جلسه‌ای در کمیته ملی المپیک کتاب روش تحقیق در تربیت بدنی معرفی گردید و پیشنهاد شد که به فارسی برگردانده شود. جامعیت کتاب و بی‌مانندی آن در ایران مرا نیز در جمع موافقان عمده برگردان قرار داد و اندک‌اندک از تألیف کتابی جدید منصرف ساخت. چنین امر دشواری البته کاری یک‌نفره نبود و جمع کوچکی از اصحاب ورزش و تربیت بدنی و دست‌اندرکار کمیته ملی المپیک قول همکاری دادند که یک‌یک و به تدریج کنار کشیدند و در نهایت بار سنگین برگردان کتاب بر عهده من افتاد.

جلد اول کتاب، مشتمل بر ده فصل اول، در 1386 به وسیله سازمان «سمت» از چاپ درآمد و تا امروز به چاپ دوم هم رسیده است. فصول و مطالب جلد اول بیشتر به روشهای کمی و محاسبات آماری و استفاده از آنها در آزمایشها و تجربیات پرداخته‌اند.

برای برگردان بخش دوم کتاب مردد بودم که آیا برای شروع چنین کار سنگین و دشواری مسئولیتی دارم یا باید کار را به دیگری یا دیگران بسپارم. در عین حال نزدیک سی سال تجربه تدریس و تحقیق و به خصوص علاقه‌مندی ویژه‌ام به روشهای کیفی تحقیق نگذاشت از زیر این بار سنگین شانه خالی کنم و چاره‌ای نداشتم جز آنکه با توکل زانوی اشتر بیندم که بستم.

نکته بسیار مهمی که مرا بیشتر ترغیب و تشویق می‌کرد، کار نویسندگان کتاب در امر مهم نزدیک کردن موضوعهای نظری روش‌شناختی به امور تجربی، آزمایشی و عملی بود. همه شما کما بیش اطلاع دارید که مثلاً در حوزه روش‌شناختی مطالعات مربوط به تحلیل گفتمان، در چند سال گذشته چندین و چند جلد کتاب و دهها مقاله ترجمه و تألیف شده و به بازار آمده‌اند که عموماً وجوه نظری موضوع را شرح و بیان کرده و هیچ‌یک چگونگی انجام یک تحلیل گفتمان را توضیح نداده‌اند و دانشجویان و پژوهشگران ما عموماً از چنین کاری گریزان یا عاجزند.

کتاب روش تحقیق در تربیت بدنی این مرز را پشت سر گذاشته و چگونگی شروع و خاتمه عملی و تجربی روشهایی مانند روش تاریخی، روش فلسفی، فراتحلیل، روش توصیفی بررسی، روش همه‌گیرشناسی، روشهای تجربی و شبه‌تجربی و روش کیفی را نشان داده است و این امتیاز بسیار ارجمند و ارزشمندی است که دیگر کتابها از آن محروم‌اند.

البته برگردان یک کتاب جامع بیست فصلی مانند این کتاب به وسیله هر کسی که تدریس و تحقیق موظف هم داشته باشد، علاوه بر دغدغه‌های ذهنی مداوم، مستلزم صرف وقت و انرژی بیشتری است و به طبع فرصتی بیش از چند ماه و بلکه یک سال و دو سال می‌خواهد و علت تأخیری هم که در کار برگردان بخش دوم

کتاب پیش آمده همین است.

با همه احوال برگردان کتاب به پایان رسید و نوبت بازخوانیهای متعدد آن رسید که این کار نیز زمان تحویل کتاب به سازمان را طولانی تر کرد. در بخش اول کتاب از همت و همکاری جناب آقای دکتر امیرملکی دانشیار دانشگاه برخوردار بودم و در بخش دوم کتاب از همراهی، همکاری و همدلی دوست ارجمند و دانشجوی فرهیخته ام جناب آقای امیر خرمی بهره مند بوده ام که قطعاً بدون یاری و همکاری او به خصوص در حوزه گزینش واژگانه‌های اساسی، این امر مهم تا این درجه پاکیزه و از نثری چنین فاخر بهره مند نمی شد. وظیفه دارم از هر دو دوست بزرگووارم به حد اعلی سپاسگزاری و در کنار آنها از همدلی و همکاری اعضای هیئت علمی کمیته ملی المپیک و به ویژه جناب آقای فتح الله مسیبی مسئول آموزش و پژوهش این کمیته تقدیر و تشکر کنم. همچنین وظیفه دارم از سازمان محترم «سمت» برای فراهم آوردن امکان چاپ و معرفی کتاب و ویراستار محترم این سازمان سرکار خانم لشکری نژاد تشکر و قدردانی کنم.

امید آن دارم که دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) و به ویژه اساتید محترم مدرس روشهای تحقیق و سایر پژوهشگران و کارشناسان، به خصوص در حوزه تربیت بدنی و ورزش، از این مجموعه ارزشمند و جامع استفاده کنند و لغزشهای برگردان کتاب را لطفاً از طریق پست الکترونیکی [sedighsarvestani@gmail.com](mailto:sedighsarvestani@gmail.com) یا کمیته ملی المپیک یا سازمان «سمت» به اطلاع مترجم برسانند.

مایه سربلندی است که به لطف خداوند منان توانسته ام برگردان چنین اثر ارزشمندی را در حوزه مورد علاقه ام به یادگار بگذارم.

رحمت الله صدیق سروستانی \* 1

استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

<sup>1</sup> . سرو قامت انسانیت، استاد عزیز دکتر رحمت الله صدیق سروستانی اکنون چهره در نقاب خاک در کشیده است، خدایش رحمت کند.